

موضوع سوم:

نهی از دشنام به هر نوع تفکر و گرایش

به کسانی که آنان به جای خدا می پرستند ، دشنام ندهید؛ که آنان نیز بدون آگاهی و از روی دشمنی، به خدا دشنام خواهند داد. این چنین برای هر امتی کردارشان را آراستیم؛ سپس بازگشت آنان به پیشگاه پروردگارشان است؛ آنگاه آنان را از کارهایشان باخبر می کند. (آیه ۱۰۸ سوره انعام)

در آیه شریفه مراد از سب، ناسزا و دشنام گویی به کسانی است که غیر خدا را می پرستند و می خوانند. این عمل سبب محدود و محصور شدن آن ها می شود، طوری که دیگر نمی توانند آزادانه فکر کنند، و در نتیجه، به خداوند و رسول اکرم (ص) و دین بد گویی می کنند. این بدگویی آن ها دو علت دارد: ۱-

– احساساتشان به سبب دشنام مسلمین تحریک می شود و عداوت و دشمنی شان شدت می یابد؛ در صورتی که مسلمانان باید پیوسته بکوشند افکار مخالفان و قلوب آن ها را با نرمی و تفهیم و گفتار مستدل، به حقایق دین اسلام نزدیک و متمایل کنند و در پی تالیف قلوب آنان باشند؛ ۲ – آگاهی نداشتن و عالم نبودن آن ها به حقایق و خصوصیات و امتیازات دین مقدس اسلام (تفسیر روشن، ج ۸، ص ۱۲۵)

امام صادق (ع) می فرماید: مومنین، معبودان مشرکان را دشنام می دهند. این سبب می شود که آن ها نیز خداوند را سب کنند. از این جهت این مومن در سب خدا با آن کافر مشرک شریک شده است؛ چون سبب شده که او خداوند را سب کند.

(اطیب البیاض، ج ۵، ص ۱۶۷)

موضوع چهارم:

مساله حیا

در قرآن با تعبیرات گوناگون در مورد حیا سخن به میان آمده است. مانند:

- ۱- حیا در زبان (انعام آیه ۱۰۸)
 - ۲- حیا در طرز سخن گفتن (احزاب آیه ۳۲)
 - ۳- حیا در راه رفتن (قصص آیه ۲۵)
 - ۴- حیا در شرکت در مجالس مهمانی (احزاب آیه ۵۳)
 - ۵- حیا در نگاه کردن (نور آیات ۳۰ و ۳۱)
 - ۶- حیا در امور اقتصادی (بقره آیه ۲۷۳)
 - ۷- حیا در ورود به منازل (نور آیه ۵۸ و ۵۹)
- یکی از عوامل تباهی محیط بی شرمی و پاره کردن حیا است، لذا برای پاکسازی و پاک نگهداشتن محیط باید حیای اسلامی را حفظ کرد.
- حیا در برابر خدا، حیا در برابر مردم، حیا در نزد خود، هر کدام نقش موثری در سالم سازی محیط دارند.
- امیر مومنان علی (ع) فرمودند: نیکوترین حیا، حیای از خودت می باشد.



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی
معاونت دانشجویی و فرهنگی

با مفاهیم قرآن

در رمضان

ویژه دهه اول

مدیریت فرهنگی
دانشگاه علوم پزشکی
خراسان شمالی
خرداد ۹۶



در عصر غیبت که دست ما از وحی و خاندان عصمت کوتاه است تنها راه آشنایی با وظایف دینی عبارتست از آشنایی با قرآن و سنت رسول خدا(ص)، وظیفه ما نسبت به این دو که بر اساس حدیث ثقلین از آنها به عنوان دو امانت گرانبها نام برده شده، بسیار سنگین است.

مولا امیر مؤمنان در خطبه‌ای که مشهور به دیباج شده است، ضمن تبیین آنچه که موجب قرب الهی است درباره جایگاه و نقش قرآن در این باره می‌فرماید:

قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دل‌هاست. از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سود بخش‌ترین داستان‌هاست زیرا عالمی که به غیر علم خود عمل کند چونان جاهل سرگردانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت بلکه حجت بر او قوی‌تر و حسرت و اندوه بر او استوارتر و در پیشگاه خدا سزاوارتر به نكوهش است.

موضوع اول:

تمدی و انتساب قرآن به پیامبر(ص):

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ (سوره بقره آیه ۲)

تحدی به معنای هم‌اورد خواستن است. قرآن بارها ناباوران را به مبارزه و هم‌اوردی فرا خوانده است. تحدی و دعوت به مبارزه باید تا ممکن است، قاطع باشد و دشمن را تا آنجا که امکان دارد، تحریک کند و بر سر غیرت آورد تا تمام قدرت خود را به کار گیرد، و پس از عجز و ناتوانی، مسلم بداند که پدیده‌ای که با آن روبه‌روست، پدیده‌ای بشری نیست؛ بلکه امری الهی است(تفسیر نمونه ج ۱ ص ۱۲۷) قرآن در چند آیه دعوت به تحدی کرده است: سوره طور، آیات ۳۳ و ۳۴؛ سوره اسراء، آیه ۸۸؛ سوره هود، آیات ۱۳ و ۱۴؛ سوره یونس، آیه ۳۸؛ و همین آیات شریف سوره بقره. علامه طباطبایی مفسر قرآن معتقد است که آیات تحدی براعجاز قرآن دلالت می‌کند، و این تحدی عام است و در همه جهات است. عمومیت خطاب تحدی، از آن حکایت دارد که خدا همگان را به همانند آوری دعوت کرده است. بنا براین قرآن برای همه معجزه است و به گروه خاصی اختصاص ندارد. اعجاز عمومی قرآن، از سنخ علم و معرفت است، از این جهت زمینه اظهار نظر در مورد آن برای همه‌ی صاحبان معرفت و در همه ایام فراهم است، و هر کس به قدر توانش، زمینه‌ی معرفت آن را دارد. پس تحدی و تعجیز قرآن، عمومی و معجزه‌بودنش، برای هر فرد بشر و برای تمام اعصار است. (المیزان ج ۱ ص ۶۰)

موضوع دوم:

رابطه تقوا و روشن بینی:

قرآن مجید برای تقوا آثار فراوانی بیان کرده که از جمله‌ی آنها، بر طرف شدن حجاب‌ها از فکر و قلب آدمی است. در آیات متعدد قرآن، به رابطه‌ی ایمان و تقوا با "روشن بینی" اشاره شده است از جمله در آیه ۲۹ انفال می‌خوانیم: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر تقوای الهی پیشه کنید و از گناهان بپرهیزید، خداوند، وسیله‌ای برای شناخت حق از باطل برای شما قرار می‌دهد. در آیه مورد بحث آمده است: "تقوای الهی پیشه کنید، و خداوند شما را علم و دانش می‌آموزد." این امر را عقل به خوبی درک می‌کند؛ زیرا بزرگترین مانع شناخت و مهم‌ترین حجاب قلب آدمی، هوا و هوس‌های سرکش، آمال و آرزوهای دور دراز، و اسارت در چنگال ماده و زرق و برق دنیا است که به انسان اجازه نمی‌دهد قضاوت صحیح کند و چهره‌ی حقایق را چنان که هست، ببیند. تقوا به انسان آگاهی می‌دهد؛ همان‌گونه که آگاهی‌ها به انسان تقوا می‌بخشد؛ یعنی این دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند.(تفسیر نمونه، ج ۲۳، صص ۳۹۸-۳۹۹)

قرار گرفتن علم و تقوا در کنار یکدیگر در آیات قرآن، نشانه‌ای از پیوند میان آن دو است، و مفهومش این است که تقوا، پرهیزکاری و خدا پرستی، اثر عمیقی در آگاهی، روشن بینی و فزونی علم و دانش دارد.